



از دیدگاه

قرآن و عسرت

تربیا سلیمانی فر

مقدمه

جوانی فصل شورانگیز زندگی و مظهر نشاط و سازندگی است. روح لطیف و قلب ظریف جوان جلوه زیبای آفرینش و صحیفه مصفای هستی است. شور زندگی و آهنگ سازندگی در نگاه روشن و امیدوار جوان متجلی است. اگر شور و احساس جوانی با شعور عمیق دینی و سلاح توانای ایمان الهی تجهیز شود، سعادت نسل جوان و سلامت جامعه تضمین خواهد شد. جوانان همواره کانون توجه به مصلحان و آماج تهاجم مفسدان بوده اند، زیرا عالم جوانی همان گونه که منشأ شور انگیزترین تجلیات عاطفی، روحی و بالندگی است. در معرض فتنه انگیزترین آسیب های فردی، اخلاقی و اجتماعی نیز هست. بر این اساس، غفلت از تربیت و هدایت نسل جوان، موجب خسران و مایه حرمان دولت هاست. در دنیای امروز که به تدریج ارزش های انسانی تضعیف می شود و آسیب های اجتماعی تشدید می گردد، ضرورت دارد که برای هدایت و حمایت نسل جوان اقداماتی سریع و جدی آغاز گردد.

گام اول در این راه شناخت اصولی و علمی ویژگی های شخصیتی و نیازهای اساسی جوانان است. بی تردید شناخت، همدلی می آفریند و برای اهتمام به این امر خطیر باید به مشارکت فرهنگی راگیر اقدام کرد و این جز با همدلی، همزبانی و همراهی با جوانان میسر نخواهد بود.

اسلام که جامع ترین و غنی ترین مکتب آسمانی و منبع پویاترین و پایان ترین معارف اسلامی است، بیشترین توصیه ها را در هدایت و تربیت نسل جوان و رسیدگی و ساماندهی امور آنان

در این مقاله قلمداد شد.

کم نیستند خیرا قلمبر این آینه یعنی به شایسته می کشد که «حیات» و...

۶۶۰۵

صورت، ناخن، لباس، عطر زدن و مسواک زدن و... وجود دارد. امام صادق (ع) نیز فرموده اند:
إلبس و تجمل فان الله جميل و يحب الجمال و لیکن من حلال لباس نیکو بپوش و
آراست باش که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد اما باید از راه حلال باشد.

علاوه بر ظاهر، زیبایی معنوی هم در دین اسلام مورد تأکید است. و بهترین لباس در سوره
احقاف، لباس تقوی عذاف شده است. حضرت امام صادق (ع) فرموده اند:

زین اللباس المؤمنین التقوی و انعمه الايمان و قال الله تعالی و لباس التقوی لک خیر...
زیباترین لباس برای مؤمن لباس تقوی و اظیف تریشان لباس ایمان است. خداوند متعال
فرموده اند: لباس تقوی بهترین است.

تزیین و تجمل در نظر اسلام نه تنها یک کار پسندیده بلکه عملی محبوب و دارای ارزش
عبارت است. جمال دلپذیر و جذاب دوران جوانی هم یکی از زیبایی های طبیعی بشر است و در
این ایام، شور و هیجان و نشاط و عشق و امید، این تمایل را افزایش می دهد.

رهنمود قرآن و اولیای اسلام این است که علاوه بر حمایت از این تمایل، بهتر است توجه به
جمال معنوی هم در نظر گرفته شود و جوانان را به سوی آن ترغیب نمود.

شناخت ویژگی های فکری و شناختی

علاوه بر تغییر و تحولات وسیع در رشد جسمانی، تحولاتی در حیطه شناختی و فکری
نوجوانان نیز رخ می دهد که با رشد مغز و فعالیت های آن در ارتباط است.

در مطالعات مربوط به رشد عصب شناختی آمده است که رشد دوران بلوغ با رشد مغز نیز
همراه است و در نوجوانی تغییراتی در سطوح و عملکردهای مغز به وقوع می پیوندد و از پیامدهای
این رشد مغزی، رسیدن به مرحله جنیندگی از رشد شناختی است که آن رسیدن به «اندیشیدن انتزاعی»
می باشد.

تفکر کودکان وابسته به داده های عینی و محسوس است و آنان قادر به درک مفاهیم انتزاعی
نیستند، در حالی که با شروع نوجوانی، نوجوان می تواند به انواع احتمالات و فرضیات بیندیشد.

نوجوان نه تنها به آنچه هست می اندیشد بلکه به آنچه می تواند باشد نیز فکر می کند و از آنجا
که قابلیت تجسم احتمالات ناهنجار را پیدا می کند، می تواند در مورد مسائل اخلاقی، اجتماعی
پرنامه های آینده خود گسترده وسیعی را مد نظر قرار دهد و این تحول روزنه های تازه ای را برای
اندیشه ها می گشاید و به نوجوان امکان تحلیل مسائل سیاسی و فلسفی را می دهد.^۹

جست وجوی هویت

یکی از مهمترین موضوعاتی که محور تفکر نوجوانان قرار می گیرد، خود آنان می باشد. و در
حقیقت، در این سنین، نوجوان در جست وجوی هویت خویش برمی آید.

پدیده نوجوانی همواره با این پرسش اساسی همراه است که نوجوان از خود می پندد، من
کيستم؟! این پرسش را جست وجوی هویت می نامند.

نوجوانان از خود می پرسند باید چگونه زندگی کنم؟ چه حرفه ای را انتخاب کنم؟ آیا با کدام
ارزش ها و باورها زندگی کنم؟! او پرسش هایی از این قبیل که پاسخ دادن به آنها آنان نسبت و
معمولاً با تشویق نوجوان و حتی والدین او همراه است.

نوجوانی مرحله ای از رشد است که باید در آن احساس هویت به دست آید و مطالعات مختلف
نشان داده است که حاکمیت مذهب در جامعه به رفع این بحران کمک می کند چرا که مذهب به
مهم ترین سؤالات نوجوانی یعنی از کجا آمده ام؟ چه کسی هستم؟ به کجا خواهیم رفت؟ و چه کار
باید کنیم؟ پاسخ می دهد.

نوجوانی دوره شکل گیری هویت و جوانی زمان تثبیت آن است. در دوره نوجوانی و کودکی
خانواده بیشترین تأثیر را در شکل گیری هویت به عهده دارد و در دوره جوانی محیط زندگی اجتماعی
و خود جوان نقش اساسی را در تثبیت هویت ایفا می کنند.^{۱۰}

توجه به این موضوع مهم نقش زیادی در تربیت دوران نوجوانی و جوانی دارد. و اهمیت این
موضوع در کلام گوهر بار حضرت علی (ع) موجود می باشد. ایشان در نامه ای به فرزندشان می فرماید:

... بادرت بوصیتی الیک و اوردت خصالاً، منها قبل ان یسبقن الیک بعض غلبات الهوی

و فتن الدنیا... و انما قلب الحدث کالأرض الخالیة ما القى فیها من شیء قبلته...

... به وسیله این وصیت بر تو پیشدستی کردم و خصلت هایی را برایت برشمردم قبل از آنکه

پاره ای خواهش های نفسانی بر تو غالب گردد یا فریبندگی های دنیا تو را بفریبند... همانا

که قلب جوان همچون سرزمین خالی و آماده کشت است، هر چند در آن افکنند پذیرد...

آری جوان در صدد شناخت خود و ایجاد شخصیت ثابت و مستقل است و سرزمین وجه دش

مستعد پذیرش هر گونه بذر و نهالی می باشد، توجه به این ویژگی مهم باید مورد نظر والدین و

مربیان آموزشی قرار گیرد و نسبت به تربیت این قشر از جامعه تلاش لازم را بنمایند. همان طور

که حضرت امیر (ع) در ادامه سخن خود می فرماید:

فبادرتک بالادب قبل ان تقسوا قلبک و یشتغل لیک... پس به ادب آموختن پرداختم،

پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد...

امام صادق (ع) فرموده‌اند:

قلب الشاب أرق من قلب الشيخ ۱۲؛ قلب جوان دقیق‌تر از قلب پیر است.
چنانچه دل‌های دقیق و تأثیر پذیر دارند. همه‌واره تعالیم دین مبین اسلام بر این مبنای بوده است که
باید جوانان با به سبب نیکوکارها و فضائل اخلاقی هدایت شود.
رسول اکرم (ص) فرموده‌اند:

أوصيكم بالشبان خيرا فانهم أرق أفئدة... ۱۳؛ شما را سفارش می‌کنم با جوانان به خوب
رفتار کنید چرا که آنان قلب لطیف‌تری دارند.

از سقراط حکیم پرسیدند چرا بیشتر با جوانان مجالست می‌کنی؟ پاسخ داد: که شاخه‌های
نازک و ترا می‌توان راست کرد ولی چوب‌های سخت که طراوت آن رفته باشد به استقامت نگراید.

طلب شخصیت و عزت شخص

جوانان در طلب شخصیت و کسب عزت نفس می‌باشند، و مایلند هر چه زودتر شخصیتی
ثابت و مستقل برای خود بسازند و موجبات رشد خود را فراهم نمایند و صلاحیت‌های لازم را برای
پذیرش در جامعه بدست آورند.

پیام گرامی اسلام در کلام گوهر بار خود این نکته را متذکر شده و می‌فرمایند:

الولد سيد سبع سنين و عد سبع سنين و وزير سبع سنين... ۱۴

در توضیح این روایت باید گفت: فرزند در هفت سال اول به سبب ناتوانی جسم و نارسایی
فکر مورد عطوفت و ترحم والدین است و والدین از روی رحمت به خواسته‌های او عمل می‌کنند
لذا کودک بر پدر و مادر اقائی می‌کند، و در هفت سال دوم به سبب اینکه به اندازه‌ای نیرومند
شده‌اند، گذشته‌مورد ترحم نیست و به سبب اینکه تا اندازه‌ای خوب و بد را می‌شناسد مورد
مواخذه بوده و مسؤول واقع می‌شود و وظایف خود را در غالب دستور از پدر و مادر می‌گیرد.

هفت سال سوم که دوره بلوغ و جوانی است، دوره‌ای است دارای ارزش والا؛ و پیامبر
اکرم (ص) با دادن نسبت و وزارت به جوانان در حقیقت چندین نکته را موارد اهمیت قرار داده‌اند.

اول اینکه نوجوان و جوان دارای ارزش هستند و باید مورد احترام و تکریم قرار گیرند. احترام
قابل شدن برای آنها اولین قدم است در کمک به ایشان در کسب شخصیت و عزت نفس.

دوم اینکه به پدر و مادر تذکر می‌دهد که دوران نوجوانی از کودکی جداست و علاوه بر احترام
قابل شدن باید به نوجوان مسؤولیت هم داده شود تا در ضمن اجرای آن به توانمندی‌های خود دست
باید و با کسب موفقیت، شخصیت خود را به اثبات و انسجام برساند، همانند یک وزیر در کشور

کوچک خانواده.

وزیر از یک جهت به معنای کسی است که باز مسؤولیتی را بر دوش گرفته و از طرف دوم
کسی است که مورد مشورت و همفکری قرار گرفته است. لذا نوجوان باید در خانه‌ها مورد مشورت
قرار گیرد تا به تبادل افکار خویش بپردازد و علاوه بر ابراز وجود، توانایی‌های فکری خود را نیز
محک بزند.

پدر و مادری که دستور رسول اکرم (ص) را عمل می‌کنند، عملاً ارزش معنوی جوان خویش
را مورد توجه قرار داده‌اند و خواهش تکریم را که ناشی از خواهش کسب شخصیت می‌باشند، در
او به نحو شایسته ارضا کرده‌اند.

طلب شخصیت با کسب عزت نفس یعنی ارزشیابی انسان در مورد خودش که با مفهوم همیت
در ارتباط است، ارتباط مستقیم دارد و ضعف و قوت خصوصیات شخصیتی هر فرد با میزان
موفقیت وی در کسب عزت نفس در ارتباط است.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند:

من كرمت عليه نفسه لم يهنها بالمعصية؛ ۱۵ یعنی هرکس به شرف معنوی و کرامت و عزت
نفس خود عقیده دارد، با پلیدی گناه خوارش نخواهد ساخت.

امام هادی (ع) فرموده‌اند:

من هانت عليه نفسه فلا تأمن شرة؛ ۱۶ یعنی هر کسی که خود را ضعیف و خوار می‌داند و
در باطن احساس پستی و حقارت می‌کند از شر او ایمنی نداشته‌باش.

روایات فوق، اهمیت کسب عزت نفس در جوانی را متذکر شده و توجه به آن باید در لوجه
روش‌های تربیتی والدین محترم قرار گیرد.

الگویابی

یکی از ویژگی‌های شخصیت انسان در دوران نوجوانی الگویابی است که در راستای رشد و
شکل‌گیری هویت رخ می‌دهد. نوجوانان به دنبال الگوی هستند که آن را دوست داشته باشند و
سعی می‌کنند. شخصیت خود را مطابق با آن الگو کنند.

انتخاب الگو در راستای ارزش‌های هر فرد می‌باشد؛ جوانانی که ارزش‌های معنوی، دینی و
اخلاقی برایشان مهم است الگوهای خود را از میان شخصیت‌های مذهبی پیدا می‌کنند و جوانانی
که قدرت بدنی، جمال ظاهری، ثروت و امثال اینها برایشان مهم است از افرادی که در این
زمینه‌ها مطرح هستند، پیروی می‌کنند. نیاز به الگو و توجه به آن از دیدگاه قرآن نیز مطرح گردیده

او، از ضروریات است که باید مورد توجه والدین، مربیان، مسئولان آموزشی و حکومتی و خود جوانان قرار گیرد. علاوه بر یوسف (ع)، مریم (س) نیز به عنوان دختری عقیق و پاکدامن، و اسوه تقوی، عبادت و ایمان معرفی می‌گردد، و او بانویی است که خداوند به خاطر عفتش او را می‌ستاید و شایسته دریافت روح الهی می‌گردد.

و مریم بنت عمران النبی احصنت فرجها فنفخنا فیہ من روحنا و صدقت لکلمات ربها و کتبه و کانت من القانتین (بحریم، ۱۲/۶۶)

و دریم دختر عمران مثل زده شده که دامان خود پاک نگه داشت. ما از روح خود در او نبی دیدیم، او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود.

حضرت موسی (ع) نیز جوانی نیکوکار و غیرتمند است که دوران جوانی اش در سوره قصص مطرح می‌گردد و او نیز به سبب احساس و نیکوکاری شایسته دریافت علم و حکمت الهی می‌گردد.

و لما بلغ اشدّه و استوی ائینا حکماً و علماً و کذلک نجزی المحسنین (قصص، ۱۴/۲۸)

هنگامی که به جوانی رسید و نیرومند و کامل رشد حکمت و دانش به او دادیم و این گونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم. موسی (ع) به سبب تقوی الهی و اعمال نیکش شایستگی این مقام را بدام می‌کند آن هم در زمان جوانیش که با زمان نبوت و القای وحی فاصله زیادی داشت. نکته مهم دیگر که در جریان این داستان مطرح گردید این است که دختر جوانی که شایسته همسری موسی (ع) می‌گردد، دختری است که خداوند متعال به این صفت او را متذکر می‌شود.

فجاءته اجداهما تمشی علی استحياء... (قصص/۲۵)

ناگهان یکی از آن دو دختر که در نهایت حیاء گام برمی‌داشت به سوی موسی آمد...

آری رعایت عفت، حیاء و پاکدامنی در حضور اجتهامی، ویژگی ممتازی است که این دختر جوان دارا می‌باشد. به سبب این صفات شایسته همسری دردی می‌شود که در آینده پیامبر خداوند خواهد بود. امید است که جوانان با ایمان میهن اسلامی مان به نحو احسن الگوهای قرآنی را ناسایی نموده و آنان را سرمشق خود قرار داده و به سر منزل کمال و تعالی راه یابند.

ویژگی های عاطفی حیات نوجوانان و جوانان

نوجوانان در دوران بلوغ زود انگیزخت بوده و به اصطلاح سریع التأثر می‌باشند؛ لذا واکنش آنها بیشتر و پرهیزان تر می‌باشد و دوران احساسات به حدی است که گاهی بایک کلمه یا یک کنایه، طوفانی از احساسات به پا می‌کنند که آثار آن به وضوح در چهره‌شان مشخص می‌شود... تغییراتی که در هیجانات زندگی رخ می‌دهد، همه نتیجه نظام جدیدی

است که در دستگاه هورمونی و دستگاه اعصاب پیدا می‌شود... ۲۰ در دوران بلوغ تعادل موجود بین احساسات و اندیشه‌های منطقی نوجوان بر هم می‌خورد و کفه احساسات سنگینی می‌کند و عقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ۲۱

پیامبرگرامی اسلام در کلام خویش به این ویژگی شخصیت نوجوانان اشاره کرده و فرموده‌اند: الشباب شعبة من الجنون؛ ۲۲ جوانی شعبه‌ای از جنون است.

چنین از ماده جن و به معنای پوشیدگی و استتار است، گویا در آن جوانی داناتی ابهام و پوشیدگی است، نوجوانان واقعاً نمی‌دانند چه چیزی در نهاد او اتفاق افتاده است، تغییرات عمومی بدن و روانی آن چنان سریع و همه جانبه است که او را دچار تشویش و نگرانی می‌کند و تصمیم‌گیری‌ها را برای او مشکل می‌سازد و برخوردهای او را با خانواده و مردم سخت می‌کند. ۲۳

بی‌ثباتی عاطفی، خواهش‌های متضاد و افراط در احساسات از ویژگی‌های عاطفی روانی نوجوانی است. این هماهنگی‌ها برای نوجوانان ناشناخته و مبهم است و گاه آنان را دچار سردرگمی می‌کند. همچنین والدین و مربیان نیز که آگاهی به مسائل این دوران ندارند، می‌توانند موجبات تعجب و ناراحتی را فراهم کنند. حضرت علی (ع) حدیثی دارند که توضیح مطلب فوق را کامل می‌کند، ایشان می‌فرمایند:

لا يزال العقل و الحسب تغالبان علی الرجل الی ثمانی عشر سنة فإذا بلغها غاب علیه اکثرهما فیه؛ ۲۴ پیوسته عقل و حماقت در مزاج نوجوانان تازه بالغ در جنگ و ستیزند تا بحران بلوغ را پشت سر گذارند و به سن هجده سالگی برسند، در آن موقع اگر ساختمان فکری جوان طبیعی و سالم باشد، کم کم پیروز می‌شود و حماقت شکست می‌خورد و اگر انسان احمق باشد حماقت بر عقل غالب خواهد شد. ۲۵

در این میان روایاتی به چشم می‌خورند که در آنها تعبیر «مستی جوانی» مشاهده می‌شود.

امام علی (ع): اضافة السكر اربعة: سکر الشباب، سکر المال، سکر النوم و سکر الملک. ۲۶

مستی بر چهار گونه است: مستی جوانی، مستی ثروت، مستی خواب و مستی ریاست.

از ویژگی‌های نوجوانی، تخیل پردازی و تصورات و تفکرات شاعرانه است و می‌توان گفت

تعبیر سکر الشباب بخشی از این ویژگی را متذکر می‌شود.

میل به تصورات ناشدنی و تخیلات غیر ممکن از خصوصیات دوران شباب است که در نهاد نوجوانان قرار داده شده و باعث تقویت قوه تخیل می‌گردد و مقدماتی هستند برای تفکرات بالاتر و خواهش‌تعالی و پیشرفت، که البته باید تحت مراقبت صحیح قرار گیرد و در نمای مناظر موهوم

فردا، شرایط واقعی امروز را هدر ندهد. به سبب این ویژگی های عاطفی دوران نوجوانی و غلبه احساسات، گاه شاهد رفتارهایی دو گانه و تا حدودی نامطلوب از نوجوانان می باشیم و باید بدانیم که حضرت علی (ع) راهکار مناسبی را بیان فرموده اند که در رفتار با جوانان باید آن را بکار بندیم. ایشان می فرمایند:

جهل الشباب معذور و علمه محصور؛ نادانی جوانی پذیرفته شده است و علمه محصور است.

به یادگیری شیوه تغافل و مسامحه از خسوریات رفتار با نوجوانان است، تا کم کم بتواند راه و روش های صحیح و عاقلانه را برگزیند. از این معیار پر پیچ و خم با تکیه و اعتماد بر والدین و مربیانی که با گذشت و مهربانی آنان را حمایت می کنند، عبور نمایند.

ویژگی های اخلاقی حیات نوجوانان و جوانان

یکی از جنبه های رشد و تکامل انسان، رشد اخلاقی می باشد، اخلاق ریشه در فطرت آدمی دارد و دستگاه ادراکی بشر به گونه ای است که در برابر خیر و نیکی تمایل قلبی نشان می دهد و در برابر شر و بدی از خود اکراه نشان می دهد.

گفتیم که با شروع پدیده بلوغ و آغاز سنین نوجوانی، انسان به مرحله ای پیشرفته از تفکر دست می یابد که او را از دوران کودکی جدا می کند، تفکری که از محدوده محسوسات و امور عینی فراتر رفته و قابلیت انتزاعی پیدا می کند. همزمان با رشد تفکر انتزاعی، رشد اخلاقی نیز گسترش می یابد و توجه انسان به مذهب و دین نیز معطوف می گردد، توجه به مذهب بخشی از رشد اخلاقی انسان است. نوجوانی آغاز ارزش ها و ضد ارزش هاست و نوجوان در صدد شناخت و تثبیت هویت خود می باشد و بخشی از سؤالاتش این است که «خصوصیات اخلاقی، ارزشی و دینی من کدام است!!!» هنگامی که جواب این سؤال را به دست آورد، احساس هویت و شخصیت می کند.

اعتقادهای انسان در دوران کودکی، جنبه تقلیدی داشته و از اعتقادات والدین نشأت می گیرد، لکن با فرا رسیدن ایام نوجوانی و جوانی و دست یابی به مرحله پیشرفته ای از تفکر، نوجوان مصمم می گردد، تا نظامی از معتقدات و باورها را از نو برای خویش به وجود آورد. در سال های بعد از بلوغ خیلی از پسرها و دخترها داشتن نوعی فلسفه زندگی را برای خود ضروری می یابند... در اکثر موارد بچه ها دیگر پذیرایی کورکوانه عقاید و بایبی عقیدگی والدین و اطرافیان خود نیستند و می کوشند شخصیت خود را از بایبی کنند و احساس می کنند در باره طبیعت و معنی

۷۷۱۸

وجود انسان و حتی خود، نیازمند پاسخ به پرسش هایی هستند، ... برخی جوانان به زمینه سخت و مسلط مذهبی چون چوب بست شخصیت خود احساس نیاز می کنند، این احساس، حس مسؤولیت آنها را کمتر و زندگی را خیلی ایمن تر می سازد...»^{۲۸}

علاوه بر توجه به مذهب و فهم فلسفه زندگی، جوانان به برخی از تعالیم و دستورات مذهبی شک می کنند و در فهم آنان دچار سرگستگی می شوند و در این زمان باید ذهن آنان را از استدلال های درست و صحیح و اشباع نمود و مشکل آنان را به گونه ای حل نمود که دچار تزلزل در اندیشه و فکر نشوند. نوجوانان سعی دارند حقایق را شخصاً از راه تفکر کشف کنند و به این دلیل به برخی مسائل دینی شک می کنند و در این موارد خانواده نباید متعصب باشد، بلکه فرصت تفکر را به نوجوان داده و راهنمایی دوستانه و منطقی را به او منتقل کند.

توجه به تمامی نکات در سفارش گرانقدر رسول اکرم (ص) نهفته است ایشان می فرمایند:

اوصیکم بالشبان خیراً فإنهم ارق افئدة فان الله بعنی بشیراً و نذیراً فاحالفنی الشبان و خالفنی الشیوخ هم قرأ فکان علیهم الامر فقسست قلوبهم؛^{۲۹} به شما درباره نوجوانان و جوانان به نیکی سفارش می کنم، که به آنها دلی دقیق تر و قلبی فضیلت پذیرتر دارند، خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم، جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند ولی پیران از قبول دعوتم سرباز زدند و به مخالفتم برخاستند.

سپس به آیه ای از قرآن اشاره کرد و درباره مردم کهنسال که مدت زندگی آنها به درازا کشیده و دچار قساوت و سخت دلی شده اند سخن گفت. فطرت های پاک و وجدان های بیدار جوانان، سخنان حضرت رسول (ص) را موافق طبع فضیلت دوست خود دریافتند و مجذوب تعالیم عالیه اسلام شدند و هسته مرکزی اسلام را گروهی از جوانان تشکیل دادند و پیامبر همواره ایشان را حمایت کرده و درباره آنان به پیروان خود به نیکی سفارش می نمود. امام صادق (ع) نیز روایتی دارند که تأکید بر تسریع آموزش دینی نوجوانان دارد. امام می فرمایند:

بادروا أحدائکم بالحديث قبل أن تسبقکم الیهم المرجه؛^{۳۰} در سخن گفتن با جوانان (در زمینه موضوعات دینی) تسریع نمایند قبل از آنکه مرجه (گروهی که از اباحیون بودند) و از انجام تکالیف شرعی شانه خالی می کردند) بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خدیش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند.

۷۷۱۹

علاوه بر روایاتی که تأکید بر تربیت دینی جوانان دارد، در تعالیم عالی‌الهی گرانقدر اسلام روایاتی به چشم می‌خورد که خطاب به جوانان است و آنان را در دین داری و عبادت تشویق و تادیب می‌نماید. از آن جمله روایات ذیل را می‌آوریم:

امام باقر (ع) فرموده‌اند:

ان أحب الخلائق إلى الله تعالى شاب حدث السن في صورة حسنة جعل شبابه و جماله في طاعة الله تعالى ذلك الذي يباهي الله به ملائكته فيقول هذا عبدى حقا؛ ۳۱ به درستی که دوست داشتنی‌ترین خلائق نزد خداوند متعال جوان کم سن و نیکو چهره است، که جوانی و جمال خود را در راه اطاعت خداوند قرار داده است و این کسی است که خداوند به او نزد ملائکه مباحثات می‌کند و می‌گوید که این حقیقتاً بنده من است.

امام صادق (ع) فرموده‌اند:

من قرأ القرآن و هو شاب مؤمن اختلط القرآن بلحمه و دمه و جعلوا الله عزوجل مع السفرة الكرام البررة... ۳۲ هر کس قرآن بخواند در حالی که جوانی مؤمن است، قرآن با گوشت و خون او مخلوط می‌گردد و خداوند او را با ملائکه گرامی و نیکان قرار می‌دهد....

و پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

ما من شاب يدع الله الدنيا و موهبا و أهرم شبابه في طاعة الله الا اعطاه الله اجر اثنين و سبعين صديقا... ۳۳ جوانی که دنیا و خوشگذرانی آن را به خاطر خدا ترک می‌کند و جوانیش را در راه اطاعت خدا سپری می‌کند، اجر هفتاد و دو صدیق را خدا به او عطا می‌کند.

همچنین از پیامبر اکرم (ص) است:

... من شاب شبيبة في الاسلام كان له نوراً في القيامة... ۳۴ هر کس جوانی خود را در راه اسلام سپری کند، در روز قیامت برای او نوری خاص خواهد بود.

ویژگی‌های اجتماعی حیات نوجوانان و جوانان

رشد اجتماعی یکی از ابعاد شخصیت انسان است، نیاز به همبستگی در ده‌ران نوجوانی به گونه‌ای دیگر در نهاد انسان نمایان می‌گردد، چرا که پیوندهای کودکی گسسته می‌شود و فرد در صدد ایجاد پیوندهای نو با بزرگسالان برمی‌آید.

ایجاد ارتباط با دیگران در آغاز نوجوانی به طور عمدۀ متمرکز به گروه همسالان و دوستان می‌باشد و ارزشیابی دیگران به خصوص همسالان و دوستان از نوجوانان برایش مهم و آغاز حرکت او به سوی روابط پیشرفته اجتماعی است.

۳۳

در این زمینه دو مقوله مهم و حساس باید مورد نظر واقع شود، یکی انتخاب دوست و دیگری نوع ارتباط با خانواده.

دوستان

نوجوانان به همانند سازی خود با گروه همسالان می‌پردازند. از جهات مختلف مثلاً در طرز صحبت کردن و لباس پوشیدن، علایق هنری و... با نوجوانان همسال خود همانند می‌شوند. و روابط با آنان هم، مولاً از روابط با اعضای خانواده گرم‌تر است، آنان بر پایه صمیمیت و وفاداری، دوستان خود را پیدا می‌کنند و بر پایه همین صمیمیت و گفت‌وگوهای خصوصی می‌توانند خود را بشناسند و هویت خویش را کشف کنند. ۳۵

احساساتی چون غم و اندوه، گاهی وجود نوجوانان را فرا می‌گیرد و بیشتر آنها در این مواقع ترجیح می‌دهند با دوستان خود باشند و آنان را هم صحبتی خوب برای خود می‌دانند چرا که در بسیاری از احساسات با هم شبیه هستند. حضرت علی (ع) این ویژگی را به این صورت بیان می‌کنند:

و ليف الهموم و قرين الأحزان... ۳۶ هم سوگند با اندوه‌ها و هم‌نشین غم‌ها.

گویا نوجوان، هم سوگند اندوه‌های جان آزار و هم‌نشین غم‌هاست و برای او بهترین چیز این است که اندوه‌ها را از خود دور کند و برای خود دوستی انتخاب کند.

اطراح عنك واردات الهموم بعزائم الصبر و حسن اليقين... و الغريب من اسم يكن له حبيب... ۳۷ اندوه‌ها را که به تو روی آورد از خود دور گردان. با دل نهادن بر شکیبایی و اعتقاد بی‌گمان... و بیگانه کسی است که او را دوستی نیست.

دوستی و رفاقت پاسخ به یک نیاز فطری است و در پرتو دوستی‌ها و محبت‌ها شخصیت انسان به نقطه کمال یا سقوط می‌رسد. لذا باید در انتخاب دوست دقت لازم را کرد.

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

الله اعلم دين خليله و قرينه فلينظر أحدكم من يخالل ۳۸ روش آدمی بر طبق مذهب و سببه دوست صمیمی اش خواهد بود. پس باید هر یک از شما بنگرد که با چه کسی دوستی می‌کند.

و امیرالمؤمنین (ع) نیز فرموده‌اند:

الصاحب كالرقعة في الثوب فاتخذها مشاكلاً ۳۹ یعنی: گزینش دوست، همچون وصله زدن بر جامه است پس آن را هم‌رنگ و متناسب برگزین.

همچنین آن حضرت فرموده‌اند:

۳۳

من اتخذ أئمانم غير اختيار الجاه الاضطراب إلى مرافقة الأشرار؛^{۲۱} کسی که نسجیده با دیگران پیمان می‌بندد، ناچار به رفاقت اشرار و افراد فاسد تن در می‌آید.

خانواده

بخش عظیمی از سعادت یا شقاوت جوانان و نوجوانان مربوط به خانواده‌های آنان است. لذا باید تلاش شود با بالا بردن سطح آگاهی و آشنایی با رموز و ویژگی‌های شخصیت جوانان، مشکلات و اختلافات احتمالی را به حداقل رساند.

البته بسیاری از تعارضات مربوط به دوران نوجوانی است و کم‌کم با سپری شدن دوران بلوغ و استقرار آن در بدن، رفتارها و اندیشه‌های نوجوانان متعادل تر شده و دل‌نگرانی‌های والدین هم کمتر می‌شود.

خانواده به لحاظ اهمیت خاصی که در این دوران حساس دارد، بهتر است موقعیت نوجوانش را واقع‌بینانه درک نماید و به آن ارج نهد و شخصیت لازمه بلوغ را که از نظر کمی و کیفی با کودک متفاوت است به او ارائه دهد، از نوجوانان نیز باید خواسته شود با خویشتن داری و رعایت احترام، روابط سالمی را با خانواده بنا نهند.^{۲۲}

امام صادق (ع) بهترین راهکار تربیتی را برای این دوران ارائه داده‌اند. ایشان می‌فرمایند:

دع ابنک یلعب سبع سنین و یؤدب سبع سنین و الزمه نفسک سبع سنین فإن افلح و الأفانه ممن لاخیر فیه؛^{۲۳} فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار بازی کند، هفت سال او را با آداب و روش‌های مفید تربیت کن و در هفت سال سوم مانند یک رفیق صمیمی، مصاحب و ملازمش باش، در این صورت رستگار می‌شود، و گرنه از کسانی خواهد بود که خیری در آنان نیست.

در خانواده‌هایی که پدر و مادر با احترام به شخصیت جوانشان، او را عزیز و گرامی می‌دارند و با او مانند یک دوست برخورد می‌کنند، نوجوان نیز حاضر است در مشکلات خود با پدر و مادر مشورت کند و از راهنمایی آنان استفاده نمایند، در غیر این صورت همسالان ناآگاه و کم‌تجربه، محرم راز و مرجع پاسخگویی به سؤالات بی‌شمار نوجوان که خاص دوران نوجوانی است خواهند بود.

جامعه

جوانی دوران قدم نهادن به عرصه اجتماع است و جوانان خواهان کسب شخصیت اجتماعی می‌باشند و در صدد هستند هر چه زودتر مورد پذیرش جامعه قرار گیرند.

در این میان توجه به سه نکته مهم و اساسی ضروری است، اول اینکه محیط اجتماعی تأثیر زیادی بر تربیت و شکل‌گیری شخصیت جوانان دارد، دوم اینکه ضرورت دارد جوانان تربیتی

مناسب با شرایط زمانی داشته باشند و سوم، ضرورت ایجاد شغل برای جوانان است تا با ایفای نقش‌های اجتماعی، استعدادهای خود را شناخته و به فعالیت در آن‌ها و به تکامل برسند.

تأثیر محیط بر شخصیت جوان

حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند:

الناس بزمانهم أشبه منهم بآبائهم؛^{۲۴} شباهت مردم به محیط اجتماعی زمان خود، از نظر اخلاقی بیشتر است.

از شباهت به صفات خانوادگی و خلیقات پدران جوانان و به خصوص نوجوانان، بسیاری از صفات خود را از کسانی می‌گیرند که در محیط‌های مختلف خانواده، مدرسه، آموزشگاه و کویچه و محله به طور متناوب با آنان در تماس هستند و در بسیاری موارد شاهد رفتارهایی از آنان هستیم که از اجتماع کسب کرده‌اند.

به جهت تأثیر زیاد اجتماع در شکل‌گیری شخصیت، بر مرییان، والدین و مسؤولان حکومتی لازم است که شرایط محیطی مناسبی را برای جوانان فراهم آورند، و در صورت وجود مظاهر آشکار فساد اخلاقی و رفتارهای نادرست اجتماعی با آن برخورد جدی نمایند. چرا که اگر در اجتماع روش‌هایی مخالف تربیت صحیح خانوادگی معمول شود، جوانان در پیروی از آنها کنجکاو شده و مردود می‌گردند که به حفظ رسم خانوادگی بپردازند یا پیروی از روش‌های تازه اجتماعی بکنند و این اتفاق باعث ناراحتی، عدم اطمینان و در نهایت تزلزل و اختلال شخصیت جوانان می‌شود. امام علی (ع) فرموده‌اند:

إذا خبث الزمان كسرت الفضائل و ضرت و نفقت الرذائل و نفعت و خوف المومسر أشد من خوف المعسر؛^{۲۵} وقتی محیط اجتماع آلوده و ناپاک شد، سجایای انسانی و فضایل اخلاقی بی‌روتق و زیان‌آور می‌شود و برعکس رذایل و ناپاکی در جامعه رایج و سودبخش می‌گردد و ترس آنچه سرایت می‌کند بیشتر است از آنچه سخت می‌نماید.

ضرورت تناسب تربیت با شرایط زمان

حضرت امیر (ع) فرموده‌اند:

لا تقسروا اولادکم علی آدابکم فائهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛^{۲۶} فرزندان خویش را مجبور نکنید که به آداب و رسوم شما عمل کنند، چون آنان متعلق به زمان دیگری هستند و باید متناسب با زمان خود تربیت شوند.

اینای نقش های اجتماعی مستلزم کسب مهارت های لازم می باشد، نوجوانان در مرحله شناخت استعدادها و علایق خود می باشند. و برای بدست آوردن حرفه ای مناسب در آینده گام های اولیه را برمی دارند. با در دوران جوانی با انتخاب شغلی مناسب فردی، مفید در جامعه محسوب شوند و استقلال و شخصیتی را که در جست و جوی بودند به طرز کامل به دست آورند.

کلام ابی الدردین (ع) در تربیت فرزندان متناسب با زمان، تأکید بر این دارد که باید فنون و علوم را مطابق روز به فرزندان یاد بدهیم و گرنه امکان موفقیت آنان را از بین برده ایم. همچنین آن حضرت فرموده اند:

أولى الأشياء أن يتعلمها الأحداث أشياء النبي إذا صاروا رجالا احتاجوا إليها؛^{۲۶} برترین چیزهایی که خوب است جوانان یاد بگیرند، چیزهایی است که وقتی مرد شدند به آن احتیاج داشته باشند.

توصیه به کسب علم، مهارت ها و فنون به خصوص فنون دفاعی و نظامی همواره مورد نظر اولیای گرانقدر اسلام بوده و ایجاد شرایط یادگیری برای فرزندان را همواره به پدران توصیه کرده اند. البته لازم به توضیح است که منظور از «ادب» در روایت مذکور رسوم اجتماعی معمول است و گرنه سنن ثابت انسانی و مقررات قطعی اسلامی که پایه و اساس خوشبختی بشر است تغییر ناپذیرند. اگر بر فرض در جامعه ای افراد مغرض از انجام سنن اساسی سرباززند و به اسم تغییر مقتضیات زمان گناهمانی را روا و فرایضی را غیر ضروری تلقی نمایند، واقعیت آن سنن تغییر نمی کند و سرانجام نتایج شوم آن تخلف دامن گیر جامعه خواهد شد. منظور همسو شدن با تحولات و تکامل علمی جهان و پیشرفت آداب و فنون و علوم است و لازم است فرزندان خود را با شرایط زمان تطبیق دهند و با جامعه سازگاری داشته باشند، ولی هرگز اجازه داده نشود که به نام تغییرات شرایط زمان، سنن اساسی و سعادت بخش اجتماعی نادیده گرفته شود و از حدود مقررات قطعی اسلام قدیمی فراتر گذارده شود.

ضرورت ایجاد شغل

یکی از عناصر مهم حیات اجتماعی جوانان انتخاب شغل و شروع منظم و کارآمدتر فعالیت اجتماعی است. جوانان خواهان ورود به اجتماع هستند تا انرژی و تازگی وجود خویش را در راه پدرش مسؤولیت های اجتماعی صرف کنند. و از جانب اجتماع جانی تلقی شوند، آنان از تأثیر گذارترین عوامل انسانی در جامعه بشری هستند و هر گونه تعالی و ترقی و پیشرفت در ابعاد مادی و معنوی موهون توانایی ها، آمادگی ها و استعدادهای جوانان یک جامعه است.

هویت شغلی به صورتی بسیار ساده از دوره کودکی شروع به شکل گرفتن می کند و کودکان به خیال پردازی های شغلی می پردازند. و در نوجوانی با بروز توانایی های فکری و تفکر انتزاعی به ازمایش ذهنی مشاغل پرداخته و می فهمند که به دست آوردن یک شغل مستلزم توانایی ها و آموزش های خاص است و بالاخره مرحله واقع بینی شغلی در جوانی حاصل می شود.

در تعالیم عالیه اسلام علاوه بر تأکید بر ضرورت تربیت متناسب با فنون و علوم زمان، تأکید فراوان بر ایجاد شغل مناسب برای فرزندان نیز شده است.

پیامبر اکرم (ص) فرموده اند:

یا علی حق الولد علی والده أن يحسن اسمه و أدبه و يضعه موضعاً صالحاً؛^{۲۷} پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) فرموده اند: که ای علی، حق فرزند بر پدرش این است که برای او نام خوب انتخاب کند، در ادب و تربیتش بکوشد و او را به کار شایسته ای بگمارد.

داشتن شغل و قبول مسؤولیت نه تنها وسیله امرار معاش است بلکه خود مایه عزت نفس و شرف اجتماعی و از عوامل مؤثر اعتماد به نفس و اثبات شخصیت است.

جوانی که کار می کند در آمد شخصی دارد، خود را مستقل و آزاد می بیند و در باطن احساس سربلندی و افتخار می کند، به خود حق می دهد که در جامعه اظهار وجود نماید و خویش را به عنوان یک عضو مفید اجتماع به حساب آورد. برعکس اگر جوانی که همه وجودش توانمندی و هیجان و غرور است نتواند شغل مناسب پیدا کند و به خواسته های فطری خویش دست یابد، در معرض شدید نگرانی، اضطراب، افسردگی و به دنبال آن خطر، انحراف و آلودگی می باشد. حضرت علی (ع) فرموده اند:

أنا بكن اشغل مجهدة فأتصل الفراغ مفسدة؛^{۲۸} هم چنان که داشتن شغل، محل تلاش و کوشش است، بیکاری محل فساد و تباهی و نابودی است.

همچنین فرموده اند:

من الفراغ تكون الصبوة؛^{۲۹} حالات و رفتارهای جاهلانه جوانی ناشی از بیکاری است. جوانان وظیفه دارند با تلاش و همت عالی به کسب مهارت های لازم جهت شایستگی برای یک شغل مناسب، بپردازند و بدانند سعی و تلاش برای امرار معاش در شریعت اسلام امری است که دارای اجر معنوی بالایی می باشد و کسی که از قبول مسؤولیت و سعی و تلاش شانه خالی کند مورد بدبینی اسلام است.

والدین و مسؤولان محترم حکومتی نیز باید تمام نیروها و سعی و تلاش خود را جزم کنند تا شرایط کار و کسب شغل را برای جوانان فراهم نمایند. چرا که بیکاری عامل بسیاری از خطرات

برای جامعه و جوانانش می باشند، بیکاری اگر منجر به فقر گردد، اساس اعتقادات و ایمان را با مشکل مواجه می کند و جامعه را در سراسیمه سقوط و ناهشی قرار می دهد.

۱. رساله حسن و قبح معاشرت الوسایل، ۱۵۷/۱۲.
۲. معانی خدایان، ترجمه المیزان، ۵۲۵/۱۱.
۳. نظیر الانوار، تفسیر الصافی، ۱۲/۵.
۴. رساله ترجمه المیزان، ۱۵۸/۱۱.
۵. ابواب الله مکالمه نیروزی و همکاران، تفسیر نمونه، ۳۲۸/۲۱، به نقل از تفسیر روح المعانی.
۶. دکتر علی اکبر سعادت آباد، روانشناسی رشد، ۶/ انتشارات اطلاعات.
۷. رساله ترجمه المیزان، ۲۵۶/۳.
۸. مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ۳۰.
۹. رساله دکتر احمدی، جهیز، روانشناسی رشد، ۱۰۲/۲.
۱۰. رساله دکتر حسین لطف آبادی، روانشناسی رشد، ۲۱۲/۲ و ۲۱۵.
۱۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۱۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ۲۸۰/۱۲.
۱۳. محمد تقی فاضلی، جوان از نظر عقل و احساسات، ۲۴۸/۲.
۱۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشریعه، ۴۷۶/۲۱.
۱۵. آلودی، غرر الحکم، ۶۷۱.
۱۶. ابن عربین، جوانی و نضج، العبدان عن الرسول، ۲۸۲.
۱۷. رجوع کنید به سوره البینه، آیات ۵۱-۵۷.
۱۸. بحار الانوار، ۲۵/۱۲.
۱۹. ترجمه المیزان، ۱۶۰/۱۱.
۲۰. دورین اوداوم، بلوغ، ۲۶/۲۶.
۲۱. رساله شادابی، دنیای نوجوان، همان، ۱۶۲.
۲۲. شرح اوقاف، من لایحضره الفقیه، ۳۷۷/۲.

۲۲۲۶

۲۳. دکتر سید احمد احمدی، روانشناسی نوجوانان و جوانان/۲۳۲.
۲۴. بحار الانوار، ۸۲/۷۵.
۲۵. جوان از نظر عقل و احساسات، ۱۳۲/۱.
۲۶. تحف العقول، ۱۲۲.
۲۷. غرر الحکم، ۳۲۷.
۲۸. دورین اوداوم، بلوغ، ترجمه: کاظم سامی، محمد رضا ریاضی/۱۲۵.
۲۹. جوان از نظر عقل و احساسات، ۲۴۸/۱، به نقل از کتاب شادابی قریشی.
۳۰. شیخ طوسی، تهذیب، ۱۱۱/۸.
۳۱. حسن بن ابراهیم الحسین، دیلمی، اعلام الدین، ۱۲۰.
۳۲. شیخ کاتبی، کافی، ۶۰۳/۲.
۳۳. شیخ طوسی، أمالی، ۵۳۵.
۳۴. بحار الانوار، ۸۹/۱۰.
۳۵. رجوع کنید به دکتر لطف آبادی، روانشناسی رشد، ۱۴۳/۲.
۳۶. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۳۷. همان.
۳۸. بحار الانوار، ۱۹۲/۱۷.
۳۹. غرر الحکم، ۲۲۳.
۴۰. همان، ۲۱۶.
۴۱. دنیای نوجوان، ۲۱۹.
۴۲. من لایحضره الفقیه، ۴۹۲/۳.
۴۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۲۰۹/۱۹.
۴۴. همان، ۲۷۰/۲۰.
۴۵. همان، ۲۶۷.
۴۶. همان، ۲۳۳/۲۰.
۴۷. بحار الانوار، ۸۵/۷۱.
۴۸. شیخ مفید، اشهاد، ۲۹۸/۰۱.
۴۹. غرر الحکم، ۳۲۵.

۷۱۲۲۷